من انقطع الی غیرالله و کله الله الیه

آن که به غیر خداوند روی آورد خداوند به همو واگذارش کند.

خبر امروز

ضرورت تسریع در تکمیل پروژه‌های زیرساختی و عمرانی حرم رضوی

مدیر عالی حرم مطهر رضوی بر ضرورت تسریع در تکمیل پروژه‌های زیرساختی و عمرانی حرم مطهر امام هشتم(ع) تأکید کرد.
به گزارش آستان‌نیوز، مصطفی فیضی در مراسم معارفه رئیس سازمان فنی و نگهداری حرم مطهر رضوی که صبح دیروز برگزار شد، گفت: تمامی اقدام‌ها از جمله توسعه زیرساخت‌ها، مقاوم‌سازی، تجهیز و اصلاح و مرمت بناهای فرسوده در کنار امور جاری باید با سرعت بیشتری انجام شود و تأکید ما بر این است که پروژه‌هایی مانند ضلع قبله، ایوان ولیعصر(عج) در اسرع وقت پیگیری شود.
مدیر عالی حرم مطهر رضوی همچنین ضمن قدردانی از تلاش‌های محمدکاظم ملازم‌الحسینی، رئیس پیشین این سازمان، حضور خلیل‌الله کاظمی را به عنوان رئیس جدید سرمنشأ تحولات بزرگ و استمرار توسعه و پیشرفت حرم مطهر دانست و گفت: عملکرد آقای کاظمی در دوره حضور در شهرداری مشهد کاملاً روشن است و نتیجه‌اش این بوده که امروز شهر مشهد پس از تهران و با فاصله زیاد از سایر شهرها، بهترین عملکرد را در حوزه عمران شهری داشته است.

طبیعت

مشارکت در پویش مردمی کاشت نهال

همزمان با سراسر کشور، پویش مردمی کاشت نهال در شهر مشهد نیز برگزار شد و مؤسسه بذر و نهال رضوی با کاشت نهال در ارتفاعات جنوبی مشهد، در این پویش مشارکت کرد.
محمد هاشم‌زاده، مدیرعامل مؤسسه بذر و نهال رضوی در این باره گفت: امیدواریم نهال‌کاری بیش از پیش میان مردم فرهنگ‌سازی شود و در جای جای میهن عزیزمان صورت بگیرد تا علاوه بر اینکه شاهد کوه‌های سرسبزی باشیم، امنیت انسان‌ها نیز تأمین شود.
وی افزود: امسال نزدیک به ۵۵۰ هزار اصله نهال از انواع مثمر، غیرمثمر و پایه رویشی آماده عرضه در مرکز تخصصی نهال رضوی است. این نهال‌ها همگی دارای گواهی‌نامه و از کیفیت بالایی برخوردار است.

درباره «بدرالدین نقیب» و خدمات او به زائران و مجاوران حرم رضوی

سیدی که مشهد را از هجوم مغولان حفظ کرد

محمد حسین نیکبخت | پس از مرگ چنگیز، قلمرو بسیار گسترده‌ای که به ضرب وحشی‌گری به‌دست مغولان افتاده بود، بین چهار پسر او تقسیم شد و هلاکو، نوه چنگیز مأموریت یافت تا اشغال ایران را کامل کند و او در حدود سال ۶۳۵ خورشیدی این کار را انجام داد و اتفاقاً یکی از محل‌های توقف او «چمن رادکان» در نزدیکی مشهد بود. استیلای هلاکو بر ایران موجب شاکی شدن عموها و عموزادگانش شد که مدعی بودند بخش‌هایی از ایران مالِ آن‌هاست. به همین دلیل، جنگ داخلی هم بر ماجرای غارتگری مغولان افزوده شد و خراسان بار دیگر شاهد تاخت و تاز وحشیانه این قوم مهاجم شد. ماجرایی که امروز می‌خواهم برایتان نقل کنم، درست در همین زمان یعنی حدود سال ۶۸۵ خورشیدی اتفاق افتاده است، یعنی هنگامی که گروهی از نوادگان جغتای به داخل خراسان ریختند و مشهد در معرض غارت و ویرانی توسط آن‌ها قرار گرفت.

■ **سیدبدرالدین کیست؟**

سیدبدرالدین از آن آدم‌های خاص تاریخ مشهد است که شاید نامش را اصلاً نشنیده باشید. او از سادات معزز دوران خود محسوب می‌شد و به قولی نقیب و اداره‌کننده شهر و متولی حرم رضوی بود. حافظ ابرو، مورخ نامدار عصر تیموری در کتاب «ذیل جامع‌التواریخ» گاه‌گاهی به نام سیدبدرالدین اشاره می‌کند و او را به دلیل هوشیاری و سیاستش می‌ستاید. سید در آن اوضاع به هم ریخته دوران پایانی عهد ایلخانی، یعنی زمان حکومت ابوسعید، خوب از پسِ اوضاع برآمده و شهر مشهد و اطراف آن را آباد کرده بود. به همت او و یاری اهالی مشهد، حرم مطهر صاحب استحکامات دفاعی شد؛ هر چند که این استحکامات خیلی قابل اعتماد نبودند. تلاش او برای رونق اقتصاد شهر و آسایش مردم موجب افزایش جمعیت مشهد و در واقع مجاوران حرم رضوی شد. سیدبدرالدین در رونق و تبلیغ مذهب شیعه نیز سخت تلاش می‌کرد و حتی با ارتباطاتی که داشت، توانسته بود برای تشیع در سراسر ایران موقعیتی ممتاز فراهم کند. زنده‌یاد عزیزالله عطاردی در کتاب «فرهنگ خراسان»، سیدبدرالدین را پدر امیرسلطان محمد نقیب می‌داند؛ همان فردی که امروزه مزارش با عنوان «گنبد خشتی» در نزدیکی حرم رضوی، مورد احترام و تکریم زائر و مجاور است.

■ **مغولان پشت دروازه‌های مشهد**

برگردیم به اصل ماجرا؛ پس از آغاز درگیری‌های خانوادگی میان نوادگان چنگیز در خراسان، فردی به نام «یساور» که از نوادگان جغتای بود و اجدادش خودشان را مالک ماوراءالنهر و بخش‌هایی از خراسان می‌دانستند، به سمت مشهد تاخت و در یک فرسخی شهر اردو زد و آماده غارت شد. زائران و مجاوران سخت به وحشت افتادند و بیم آن می‌رفت که در این هجوم، به بارگاه منور رضوی نیز بی‌حرمتی شود. سیدبدرالدین مخفیانه نامه‌ای برای امیرحسین، از امیران ایلخانی و فرماندهان ابوسعید که مأمور حفاظت از خراسان بود فرستاد و او را از وضع شهر مطلع کرد. با این حال، چندان امیدوار نبود که امیرحسین به موقع راهی مشهد شود و شهر را نجات دهد. این بود که خودش دست به تدبیری زد. طبق گزارش حافظ ابرو، سیدبدرالدین به مشهدی‌ها دستور داد مسلح شوند، اما طوری رفتار کنند که گویی اصلاً اتفاقی نیفتاده و همه آن‌ها مطیع یساور هستند. بعد تعدادی از سادات را جمع کرد، هدایایی ارزشمند آماده نمود و به اردوی یساور رفت. از بخت خوب سیدبدرالدین، در آن زمان به یساور خبر رسیده بود که شماری از سربازانش در هرات و بادغیس دست به غارت گسترده زده و مردمان آن نواحی هم از خجالتشان درآمده‌اند! به همین دلیل یساور سخت غضبناک بود و می‌خواست هر چه سریع‌تر کار مشهد را بسازد و بازگردد: «در آن روز سادات مشهد پیش آمدند و شهزاده یساور در نهایت غضب بود. سادات سلام کردند، سر بالا نکرد و جواب نداد. از نماز پیشین (نماز ظهر) تا نماز دیگر (نماز عصر) این جماعت بر پای ایستاده بودند و هیچ کس را مجال سخن نبود. آخر که سر برآورد این مقدار گفت که لشکر را تغار (ظرف‌های بزرگ آرد گندم و جو) می‌باید و از برای مطبخ، گوسفند فربه». سیدبدرالدین با شنیدن این سخن و دیدن رفتارهای یساور متوجه دو نکته شد؛ اول آنکه او دنبال بهانه می‌گردد که شهر را سریع غارت کند و راه مناطق دیگر را پیش گیرد و دیگر اینکه وی از پشت سرش مطمئن نیست و هر لحظه احتمال می‌دهد دشمن از راه برسد و کارش را بسازد. این بود که تصمیم گرفت به هر قیمت، چیزی به دست غارتگران ندهد و از طرفی امنیت شهر را هم حفظ کند. به همین دلیل با احترام رو به یساور کرد و گفت مشهد آماده است تا ۵۰۰ رأس گوسفند، ۳۰۰ خروار آرد گندم و ۳۰۰ خروار آرد جو در اختیار سپاه بگذارد و یساور می‌تواند با فرستادن ۳۰۰ نفر از نیروهایش به داخل شهر، آن را دریافت کند. یساور این نظر را پسندید، اما خبر نداشت که سیدبدرالدین از وضعیت لرزان او آگاه است و می‌خواهد فقط وقت تلف کند تا آسیبی به شهر وارد نشود. رسیدن اخبار منطقه هرات و جام به یساور که نشان می‌داد کار نیروهایش در آنجا به مشکل جدی برخورد کرده است سبب شد او به جانب این منطقه حرکت کند.
۳۰۰ نیرویی که قرار بود وارد شهر شوند به دروازه مشهد رسیدند و با همین تعداد معدود دست به غارت زدند و اموال وعده داده شده را طلب کردند. سید که از وضعیت بیرون شهر کاملاً مطمئن بود و می‌دانست یساور دیگر قادر نیست به سوی مشهد بازگردد، فرمان نبرد صادر کرد: «هر کس از لشکر یساور درآمد، او را بگرفتند و مجموع به قتل آوردند، چنانچه بعد از چند روز که امیرحسین برسید، امیر بدرالدین نقیب از اسب و سلاح این جماعت پیشکش سنگین پیش امیرحسین برد و مشهد نجات یافت». به این ترتیب خطری بزرگ از سر زائران و مجاوران حرم رضوی دفع شد.

آگهی مفقودی

آگهی موضوع ماده ۲ آئین‌نامه قانون تأمین اجتماعی و اصلاحیه‌های بعدی

آگهی مفقودی

آگهی موضوع ماده ۲ آئین‌نامه قانون تأمین اجتماعی و اصلاحیه‌های بعدی

آگهی مفقودی

آگهی موضوع ماده ۲ آئین‌نامه قانون تأمین اجتماعی و اصلاحیه‌های بعدی

آگهی مفقودی

آگهی موضوع ماده ۲ آئین‌نامه قانون تأمین اجتماعی و اصلاحیه‌های بعدی

آگهی مفقودی

آگهی موضوع ماده ۲ آئین‌نامه قانون تأمین اجتماعی و اصلاحیه‌های بعدی

آگهی مفقودی

آگهی موضوع ماده ۲ آئین‌نامه قانون تأمین اجتماعی و اصلاحیه‌های بعدی

آگهی مفقودی

آگهی موضوع ماده ۲ آئین‌نامه قانون تأمین اجتماعی و اصلاحیه‌های بعدی

آگهی مفقودی

آگهی موضوع ماده ۲ آئین‌نامه قانون تأمین اجتماعی و اصلاحیه‌های بعدی

آگهی مفقودی

آگهی موضوع ماده ۲ آئین‌نامه قانون تأمین اجتماعی و اصلاحیه‌های بعدی